

وظایف سیاسی مسلمانان

از منظر قرآن

نویسنده: خادم حسین صالحی. ۱۳۹۵/۹/۱۳.

چکیده

وظایف سیاسی جامعه اسلامی چیست؟ به عبارت دیگر آیا مسلمانان در امور مسائل سیاسی وظیفه دارند یا نه؟

برای پاسخ به این سؤال سعی شده است با استناد از آیات قرآن و روایات معصومین (ع) و کتب معتبر تفسیری و تاریخی، وظایف سیاسی مسلمانان از منظر قرآن، مورد بررسی قرار گرفته است.

به طور کلی امور ذیل از وظایف سیاسی امت اسلامی به حساب می‌آیند: ۱. اطاعت از خدا، ۲. اطاعت از رسول خدا، ۳. تشکیل حکومت اسلامی، ۴. اطاعت از اولو الأمر، ۵. امر به معروف و نهی از منکر، ۶. جهاد و مبارزه با دشمنان اسلام، ۷. اجرای عدالت، ۸. دفاع از مقدسات اسلام، ۹. دفاع از ممالک اسلامی، ۱۰. پیروی نکردن از کفار، ۱۱. پیر نکردن از مستکبرین، ۱۲. پیر نکردن از مسرفین، ۱۳. پیر نکردن از ظالمین. با توجه به این که این مختصر گنجایش بررسی همه این موارد را ندارد؛ و لذا سه مورد اول از این موارد مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

وظیفه، سیاست، اطاعت، مخالفت و حکومت.

تردیدی نیست که سیاست مهم‌ترین میدان بروز و ظهور اهداف و خواسته‌ها است و نیز مؤثرترین زمینه در جهت تحقق اهداف است. به وسیله سیاست مداران بزرگ توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ممکن می‌گردد، زیرا سیاست همان تدبیر است، افراد باتدبیر درست می‌توانند هم در زندگی شخصی خود امنیت، آرامش به ارمغان بیاورند و هم می‌توانند به جامعه خود بلکه به کل جامعه انسانی امنیت آرامش به ارمغان بیاورند. مثلاً: افراد باتدبیر جمعی می‌توانند زمام حکومت جامعه را به داناترین، عادل‌ترین و مدبرترین فرد بسپارند که در این صورت جامعه به سمت طرقي و پیشرفت سوق داده می‌شود و در جامعه امنیت و آرامش حاکم می‌شود که در نتیجه تمام حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دینی جامعه یا جوامع اصلاح می‌شود؛ و هم می‌توانند باتدبیر نادرست، زمام حکومت را به نادان‌ترین، ظالم‌ترین و شقی‌ترین فرد بسپارند که در این صورت جامعه به سمت انحطاط پیش می‌رود و در جامعه ظلم، تعدی، نا امنی، فقر رواج پیدا می‌کند که در نتیجه تمام حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دینی جامعه یا جوامع فاسد می‌شوند.

تردیدی نیست که خداوند متعال بهترین بندگان خود را به عنوان رسول، امام و ولی خود برای حاکمیت جامعه بشری تعیین نموده و به وسیله انبیاء معرفی شده است؛ و نیز به بندگان خود دستور داده که از آنها اطاعت و پیروی کنند.

وظیفه ما این است که در تمام ابعاد فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، سیاسی، اقتصادی و... از خداوند متعال و انبیاء و اولیای او پیروی کنیم. اطاعت و پیروی منوط به معرفت است. بنابراین لازم دیدم که در این مقاله بعضی از وظایف سیاسی مسلمانان را مورد بررسی قرار دهم.

روش تحقیق

این پژوهش با رویکردی اعتقادی، اجتماعی و تربیتی، با روش تحلیلی و کتابخانه‌ای است؛ که هنگام تبیین مطالب، اقدام به فیش‌برداری و موضوع‌بندی و تنظیم آن گردیده است. منابع مورد استفاده: قرآن کریم، کتب تفاسیر، کتب روای معتبر و کتب تاریخ بوده است که در بخش منابع درج شده است

مفاهیم

وظیفه: آنچه اجرای آن شرعاً یا عرفاً در عهده کسی باشد. (۱)

ب. سیاست در لغت به معنای، حسن تدبیر، مدیریت، خط مشی، سیاست، کاردانی، مصلحت، حکومت‌داری، دیپلماسی. (۲)

سیاست در معنای عام، هرگونه راهبرد و روش و مشی برای اداره یا به کرد هر امری از امور، چه شخصی چه اجتماعی. سیاست به معنای خاص، هر امری که مربوط به دولت، و مدیریت و تعیین شکل و مقاصد و چگونگی فعالیت دولت باشد. (۳)

سیاست، هنر استفاده از امکانات است. (۴)

۱. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا. محل نشر تهران.

۲. یوسفی، حسین. فرهنگ عربی _ فارسی، دانشگاه مازندران، چاپ، چهارم، ۱۳۸۸، ص ۶۸۰.

۳. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران: مروارید، ۱۳۸۴، ص ۲۱۲.

۴. عبد الرحمن عالم، بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر ۱۳۷۳.

سیاست یعنی دانستن این که چه کسی می‌برد؟ چه می‌برد؟ چه موقع می‌برد؟ چه گونه می‌برد؟ چرا می‌برد؟
(۱)

سیاست توزیع آمرانه ارزش‌ها ست. (۲)

وظایف سیاسی امت اسلامی

به طور کلی امور ذیل از وظایف سیاسی امت اسلامی به حساب می‌آیند:

اطاعت از خدا، اطاعت از رسول خدا، اطاعت از اولوالأمر، امر به معروف، نهی از منکر، جهاد و مبارزه با دشمنان اسلام، اجرای عدالت، دفاع از مقدسات دینی، دفاع از ممالک اسلامی، پیروی نکردن از کفار، پیروی نکردن از مستکبرین، پیروی نکردن از مسرفین، پیروی نکردن از ظالمین و تشکیل حکومت دینی و اسلامی.

۱. همان.

۲. همان.

با توجه به این که این مختصر گنجایش بررسی همه این موارد را ندارد؛ و لذا سه مورد از این موارد مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. اطاعت از خدا وند متعال:

اطاعت در لغت، به معنای فرمان بردن است (۱).

واژه اطاعت و مشتقات آن ۷۸ بار در قرآن به کار رفته و مضمون آن از برخی آیات نیز که مشتمل بر این واژه و مشتقات آن نیست، استفاده می شود.

اقسام اطاعت

۱: فیومی، احمد بن محمد. المصباح المنیر، ج ۲، ص ۳۸۰. قم، چاپ: دوم.
ابن فارس، احمد بن فارس. معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۴۳۱ - قم، چاپ: اول.

اطاعت بر دو گونه تکوینی و تشریحی است:

اطاعت تکوینی:

تمام موجودات، هم در اصل تحقق وجود و هم در پذیرش هرگونه تغییر و تحول در اوصاف و کمالات وجود (ذاتی و عرضی) مطیع فرمان پروردگارند. خداوند متعال در آیات متعدد و به صورت مختلف این امر را بیان نموده است مانند آیات ذیل:

«إِن كُُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا»^(۱)؛ تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند بنده اویند.

^۱. سوره مریم، (۱۹)، آیه ۹۳.

همه مخلوقات مملوک و معبودند یعنی مالک نفع و ضرر و مرگ و حیات خود نیست، همه نیازمند و مسخر اوست و در قیامت همه اعتراف به بندگی او می‌کنند. مخلوق بودن و مملوک بود، نوع مخلوق و کیفیت مخلوق امر تکوینی است و خارج از اراده مخلوقات است، مخلوق نمی‌تواند بگوید من مخلوق باشم یا نباشم و نمی‌تواند بگوید من چه نوع مخلوقی باشم، انسان باشم، حیوان باشم، یا سنگ و درخت باشم و نمی‌تواند بگوید کیفیت خلقت من چه گونه باشد، سیاه باشد سفید باشد، پهن باشد یا گیرد باشد و... همه این موارد خارج از اراده مخلوق است.

«وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظُلُمًا لَّهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ»^(۱)؛ آنچه در آسمان‌ها و زمین هستند، از روی اطاعت و یا کراهت و نیز سایه‌های آن‌ها، هر صبح و شام برای خدا سجده می‌کنند.

^۱. سوره رعد، (۱۳) آیه ۱۵.

اولاً: سجده در این آیه به معنی خضوع و تسلیم است، یعنی همه موجودات در برابر خداوند خاضع و تسلیمند.

ثانیاً: خضوع و تسلیم در این جا تکوینی و غیر ارادی است یعنی جسم و جان مخلوقات تسلیم خداوند است چه بخواهد و چه نخواهد.

در داستان حضرت نوح (ع) بافرمان خداوند متعال زمین آب خود را فرو برد: «يَأْرَضُ أَبْلَعِي»^(۱)؛ و آسمان از باران باز ایستاد: «وَايَا سَمَاءُ أَقْلَعِي»^(۲). دو صیغه امر «ابلعی» و «اقلعی» امر تکوینی است. تمام اوامر از جانب خداوند به اشیاء و حیوانات اوامر تکوینی است.

و همچنین در آیات دیگری به اطاعت تکوینی بر شیء موجودات اشاره شده است، که در این جا به جهت اختصار به بیان فهرست آن آیات اکتفا شده است:

^۱. سوره هود، (۱۱) آیه ۴۴.

^۲. همان.

سوره فصلت/ ۴۴ و ۲۱. بقره/ ۶۵. اعراف/ ۱۶۶ و ۵۸. الانبیاء/ ۶۹. الملک/ ۱۵. الفیل/ ۴. الانشاق/ ۲ و ۵.
الزلزله/ ۴. الزاریات/ ۴۱. النحل/ ۶۸.

و در این تردیدی نیست که تمام موجودات از نظر تکوین مطیع خداوند است.

اطاعت تشریعی:

اطاعت تشریعی: اطاعت و فرمان برداری از دستورات خداوند که به وسیله انبیاء الهی ابلاغ شده است. به عبارت دیگر اطاعت تشریعی عبارت است از پیروی احکام، قوانین و مقررات دینی. تردید نیست که پیروی از احکام تشریعی بر هر مسلمانی لازم و واجب است و این مسئله مورد اتفاق شیعه و سنی است.

احکام و قوانین الهی به طور کلی بر پنج قسم است، احکام عبادی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی. آنچه که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته «احکام سیاسی» است؛ که در ذیل به چند نمونه احکام سیاسی اشاره شده است.

خوانندگان گرامی توجه دارند که احکام الهی تمام اقسامش جنبه عبادی دارند.

۲. اطاعت از رسول خدا (ص).

خداوند متعال در آیات متعدد وظیفه جامعه اسلامی را نسبت به خودش و رسولش معین نموده است؛ که در ذیل به چند نمونه از آیات اشاره شده است:

در قرآن کریم در آیات متعدد دستور به اطاعت و پیروی از خود و رسولش داده است، پنج مرتبه با عنوان: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ»^(۱)، دو مرتبه با عنوان «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ»^(۱)، چهار مرتبه با عنوان «وَ

^۱. سوره نساء، (۴)، ۵۹. سوره مائده، (۲۴)، ۵۴. سوره محمد، (۴۷)، ۳۳. سوره تغابن، (۶۴)، ۱۲. سوره نور، (۲۴)، ۵۴.

أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (۲)، و یک مرتبه به صورت: «وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» (۳)، یک مرتبه به صورت: «أَطِيعَنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (۴)، ده مرتبه به صورت «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ» (۵)، مردم را به اطاعت و پیروی از خود و رسولش دعوت می‌کند. البته عناوین دیگری نیز وجود دارد که بیانگر همین معنا است مانند: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ...»

این آیات بیان گر دو مطلبند:

۱. سوره آل عمران، (۳)، ۳۲ و ۱۳۲.

۲. سوره انفال، (۸)، ۱ و ۲۰ و ۶۴. سوره مجادله، (۵۸)، ۱۳.

۳. سوره نور، (۲۴)، ۵۶.

۴. سوره احزاب، (۳۳)، ۳۳.

۵. سوره آل عمران، (۳)، ۵۰. سوره شعراء، (۲۶)، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۶۳، ۱۷۹. سوره زخرف، (۴۳)، ۶۳.

الف. در تمام این موارد اطاعت به صورت مطلق بیان شده است، مقید به موضع خاص نیست، شامل امور اعتقادی، عبادی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شوند.

ب. آیات مقید به زمانی خاص نیست، یعنی تا روز قیامت باید مطیع فرمان خدا و رسول خدا (ص) باشید.

ج. این آیات به صورت امری بیان شده‌اند، یعنی واجب است بر مسلمانان که از خدا و رسول او پیروی کنند.

اطاعت از خدا و رسولش رکن اصلی مسلمان بودن است و اگر کسی از خدا و رسول خدا (ص) اطاعت نکند به اتفاق شیعه و سنی مسلمان نیست.

۳. تشکیل حکومت اسلامی

تردید نیست که از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین نیاز جامعه بشری تشکیل حکومت است، زیرا از طرف انسان موجود اجتماعی است و از طرف دارای خواسته‌های نامحدود است و همه چیز را برای خودش می‌-

خواهد، مسلماً خواسته های نامحدود، بدون وجود قانون منجر به هرج و مرج و تعدی و تجاوز به حقوق دیگران می شوند. از طرف وجود قانون بدون مجری قانون کافی نیست مجری قانون حکومت است.

بنابراین اطاعت از دستورات خدا و رسول خدا (ص) که یک قانون الهی است، اجرای این قانون در بسیار از موارد نیازمند حکومت دینی است، مثل قضاوت، اجرای عدالت، قصاص، مبارزه با فساد اخلاقی، ایجاد امنیت و آرامش، دفاع از سرزمین اسلامی در برابر هجوم نظامی و فرهنگی دشمن، دفاع از محرومین و مستضعفین در برابر زور مداران و مستکبرین، امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد امکانات بهداشتی و رفاهی و ایجاد فضای مناسب برای رشد و طرقي جامعه از نظر مادی و معنوی.

مجریان قوانین الهی باید افراد عالم، عادل، صادق، متقی و مطیع فرمان خدا و رسول خدا (ص) باشند؛ و در غیر این صورت ممکن است بر خلاف حکم خدا و رسول خدا (ص) عمل کنند و یا از قوانینی پیروی کنند که آن قوانین مخالف قوانینی الهی باشند، که در نتیجه منجر به تعطیلی قوانین و مقررات الهی می شوند. از این روست که خداوند متعال حاکمان بعد از پیامبر اکرم (ص) را معین کرده و فرمودند: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ

مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»^(۱)، ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شد ابلاغ کن و اگر نکنی پیام خدا را نرسانده‌ای. خدا تو را از (شر) مردم نگاه می‌دارد.

تمام مفسرین شیعه و بسیاری از مفسری اهل سنت می‌گویند: خداوند متعال در این آیه پیامبر اکرم (ص) را ملزم نموده به معرفی خلیفه و حاکم بعد از خودش یعنی حضرت علی (ع).^(۲)،^(۳)،^(۴)،^(۵)،^(۶).

^۱. سوره، مائده، (۵)، آیه ۶۷.

^۲. طباطبایی، سید محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۴۸. قم: موسسه النشر الاسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.

^۳. الرازی، عبد الرحمن بن محمد بن إدريس. تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۱۷۲. تحقیق: أسعد محمد الطیب. صیدا: المكتبة العصرية.

^۴. الألوسی البغدادی، العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود. روح المعاني فی تفسیر القرآن العظيم والسبع المثاني، ج ۶، ص ۱۹۳. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

^۵. السيوطی، عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين. الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۹۸. بیروت: دار الفكر، ۱۹۹۳.

^۶. الشوكانی، محمد بن علی بن محمد. فتح القدير الجامع بين فنی الرواية والدرایة من علم التفسیر، ج ۲، ۶. بیروت: دار الفكر.

و نیز اوصاف این حاکمان را بیان می‌کند که این‌ها معصومند در اجرای حکم خدا اشتباه نمی‌کنند: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»^(۱)، ای اهل بیت، خدا می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را پاک دارد. زیرا شما حاکمان و مجریان احکام خداوند بعد از پیامبر هستید. با وجود قرائن و شواهد متعدد تردیدی باقی نمی‌ماند که مراد از اهل بیت در این آیه، خمسه طیبه است، از جمله شواهد شأن نزول این آیه است که پانزده نفر از صحابه (علی بن ابی طالب، فاطمه بن محمد، حسن بن علی، انس بن مالک، براء بن عازب انصاری، جابر بن عبدالله انصاری، سعد بن ابی وقاص، سعد بن مالک، عبدالله بن عباس، عبدالله بن جعفر طیار، عایشه، ام سلمه، عمر بن ابی سلمه، واثله بن اسقع، ابی الحمراء) و ده‌ها نفر از علمای اهل سنت در کتب خود نقل نموده‌اند که منظور از اهل بیت در آیه تنها خمسه طیبه است.

^۱. سوره، احزاب(۳۳)، آیه ۳۳.

ترمذی در صحیحش از عمر بن ابی سلمه نقل می‌کند: هنگامی که آیه تطهیر بر پیامبر (ص) در خانه ام سلمه نازل شد، پیامبر (ص) علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) را دعوت کرد و سپس کساء را بر روی آنها کشید و عرض کرد: بار خدایا! اینان اهل بیت من هستند، پس رجس و پلیدی را از آنان دور کن و آنان را پاک فرما. (۱)

و با معرفی حاکمان الهی و تحقق حاکمیت آنها دین کامل می‌شود و قوانین الهی تعطیل نمی‌شوند: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (۲)، امروز دین شما را به کمال رسانیدم و نعمت خود بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما برگزیدم.

۱. الترمذی السلمی، محمد بن عیسیٰ أبو عیسیٰ. لجام الصحیح سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۵۱، ح ۳۲۰۵. تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۲. سوره مائده، (۵)، آیه ۳.

و نیز پیامبر اسلام (ص) از اول بعثت تا آخرین روز عمر شریفش بارها و بارها این خلفا و حاکمان را معرفی کرده از جمله:

الف. جریان «یوم الدار».

در جریان یوم الدار پیامبر اسلام (ص) پس از سه سال دعوت مخفیانه مأمور شد که دعوت همگانی خود را از طریق خویشاوندان خود آغاز کند «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»^(۱)، چهل و پنج نفر از بزرگان بنی هاشم را به مهمانی دعوت کرد و پس از صرف غذا آن‌ها را به وحدانیت و رسالت خویش دعوت کرد،^(۲) (۳) و در پایان جانشین و خلیفه خود را معرفی کرد: «إِنْ هَذَا أَخِي وَ وَصِي وَ خَلِيفَتِي فَيَكُم فَاَسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا»^(۴)،

۱. سوره، شعراء، (۷۶)، آیه ۲۱۴.

۲. طبری، محدین جریر. تهذیب الآثار، ج ۳، ص ۶۳. قاهره: مطبعة المدنی.

۳. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الکبری، ص ۴۷. بیروت: ۱۴۱۹ ق.

۴. طبری، محمد بن جریر. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۴۳. بیروت: دار الکتب العلمیه.

(۱)، (۲)، (۳)، هان ای خویشاوندان من بدانید که علی برادر و وصی و خلیفه من در میان شما است، حرف او را بشنوید و از او پیروی کنید.

ب. جریان غدیر خم.

مورخین، محدثین و مفسرین مشهور شیعه و سنی با سندهای معتبر جریان «غدیر خم» را نقل نموده‌اند، که حضرت رسول اکرم (ص) بین جمعیت زیادی (که تعداد آن‌ها ۱۲۰ هزار نفر روایت شده است) جانشین و

۱. الطبری، محمد بن جریر. تهذیب الآثار وتفصیل الثابت عن رسول الله من الأخبار. تحقیق: محمود محمد شاکر، ج ۳، ص ۶۳... القاهره: مطبعة المدنی.

۲. البغوی. تفسیر البغوی. تحقیق: خالد عبد الرحمن العک. ج ۳، ص ۴۰۰. بیروت: دار المعرفة.

۳. الشافعی، علی بن الحسن ابن هبة الله. تاریخ مدینة دمشق و ذکر فضلها وتسمیة من حلها من الأمانل، ج ۴۲، ص ۴۹. تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن

غرامة العمری. بیروت: دار الفکر. چاپ، ۱۹۹۵ م.

خليفه بعد از خود را معرفى نمود و فرمود: «من كنت مَوْلَاَهُ فعلى مَوْلَاَهُ»، (١)، (٢)، (٣)، (٤)، (٥)، (٦)، (٧)، (٨)، (٩)، هر كس من مولای اویم على ع مولای او است.

^١. التميمى البستى، محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم. صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، ج ١٥، ص ٣٧٦، ح ٦٩٣١. تحقيق: شعيب الأرنؤوط. بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثانية، ١٤١٤ - ١٩٩٣.

^٢. الشيبانى، أحمد بن حنبل أبو عبدالله. مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ١، ص ٨٤، ح ٦٤١. مصر: مؤسسة قرطبة.

^٣. القزوينى، محمد بن يزيد أبو عبدالله. سنن ابن ماجه، ج ١، ص ٤٥، ح ١٢١. تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي. بيروت: دار الفكر.

^٤. الترمذى السلمى، محمد بن عيسى أبو عيسى. الجامع الصحيح سنن الترمذى، ج ٥، ص ٦٣٣، ٣٧١٣. تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون. بيروت: دار إحياء التراث العربى.

^٥. النسائى، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن. السنن الكبرى، ج ٥، ص ٤٥، ح ٨١٤٥. تحقيق: د. عبد الغفار سليمان البندارى، سيد كسروى حسن. بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى ١٤١١ - ١٩٩١.

^٦. الحاكم النيسابورى، محمد بن عبدالله أبو عبدالله. المستدرک على الصحيحين، ج ٣، ص ١١٨، ح ٤٥٧٦. تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى ١٤١١ - ١٩٩٠ م.

^٧. الدينورى، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة. الإمامة والسياسة، ج ١، ص ٩١. تحقيق: خليل المنصور. بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٨ - ١٩٩٧ م.

ج. جریان جنگ تبوک

در جریان جنگ تبوک رسول الله (ص) خطاب به علی فرمود: «أَلَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونََ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَيْسَ نَبِيٌّ بَعْدِي» (۳)، آیا دوست نداری نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی (ع) باشی، مگر نبوت. چون که باب نبوت با آمدن پیامبر اسلام (ص) بسته شد. این حدیث باکم اختلاف در منابع مختلف ذکر شده است، (۴)، (۱)، (۲)

۱. البخاری الجعفی، محمد بن إسماعیل بن إبراهيم أبو عبد الل. التاريخ الكبير، ج ۶، ص ۲۴، ح ۲۲۷۷. دار النشر: دار الفكر.

۲. الألوسی البغدادی، العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود. روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المناني، ج ۲۷، ص ۱۷۸. بيروت: دار إحياء التراث العربي.

۳. البخاری الجعفی، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله. الجامع الصحيح المختصر، ج ۴، ص ۱۶۰۲، ح ۴۱۵۴. تحقيق: د. مصطفى ديب البغا. بيروت: دار ابن كثير، اليمامة، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

۴. القزوينی، محمد بن يزيد أبو عبدالله، سنن ابن ماجه. ج ۱، ص ۴۲، ح ۱۱۵. تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقيسنن ابن ماجه. بيروت: دار الفكر.

د. حدیث ولایت

این روایت از طرق متعدد و با سندهای صحیح از رسول خدا (ص) نقل شده: «ان عَلِيًّا مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ وَهُوَ وَلِي كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي» (آ)، (ئ)، (ه)، (و)، (ز)، به راستی علی از من است و من از او هستم و او سرپرستی همه مؤمنان پس از من است.

^۱. النسائي، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن. السنن الكبرى، ج ۵، ص ۱۲۲، ح ۸۴۳۸. تحقيق: د. عبد الغفار سليمان البنداري، سيد كسروي حسن. بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى. ۱۴۱۱ - ۱۹۹۱.

^۲. الشاشي، أبو سعيد الهيثم بن كليب. المسند للشاشي، ج ۱، ص ۱۶۱، ح ۹۹. تحقيق: د. محفوظ الرحمن زين الله. المدينة المنورة: مكتبة العلوم والحكم، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۰.

^۳. الشيباني، أحمد بن حنبل أبو عبدالله. مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۴، ص ۴۳۷. مصر: مؤسسة قرطبة.

^۴. الترمذی السلمي، محمد بن عيسى أبو عيسى. الجامع الصحيح سنن الترمذی. تحقيق: أحمد محمد شاکر وآخرون، ج ۵، ص ۶۳۲. بيروت: دار إحياء التراث العربي.

^۵. النسائي، أحمد بن شعيب. فضائل الصحابة، ج ۱، ص ۱۴. بيروت: دار الكتب العلمية. چاپ اول ۱۴۰۵.

ه. حدیث اثنا عشر خلیفه

این روایت با سندهای صحیح در منابع شیعه و اهل سنت آمده است که رسول خدا (ص) بارها فرمودند که جانشینان من تا قیامت تنها دوازده نفر خواهند بود، «إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَنْقُضِي حَتَّى يَمُضِيَ فِيهِمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً»^(۱)،^(۲)،^(۳)، این امر (اسلام) منقضى نمی‌شود تا اینکه دوازده خلیفه در بین آنها بگذرد (حکومت

^۱. الجزری، عز الدین بن الأثیر أبی الحسن علی بن محمد. سد الغایة فی معرفة الصحابة. تحقیق: عادل أحمد الرفاعی، ج ۴، ص ۱۱۷. بیروت: دار إحياء التراث العربی. چاپ اول ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م.

^۲. التیمی البستی، محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم. صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان. تحقیق: شعیب الأرنؤوط، ج ۱۵، ص ۳۷۳. بیروت: مؤسسة الرسالة. چاپ دوم، ۱۴۱۴ - ۱۹۹۳ م

^۳. القشیری النیسابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسین. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۵۲، ح ۱۸۲۱. تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

^۴. العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل. فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۱۳، ص ۲۱۱، ح ۶۷۹۶. تحقیق: محب الدین الخطیب. بیروت: دار المعرفة.

کند). این حدیث با عبارت «اثنا عشر امیراً»، (۲) و «اثنا عشر نقیباً» (۳) و «اثناعشر قیماً» (۴)، نیز نقل شده است.

اما متأسفانه بعضی مسلمانان چه در زمان حیات پیامبر اسلام چه بعد از حیات پیامبر اسلام این آیات و دستورات پیامبر (ص) را نادیده گرفتند به وظیفه سیاسی خود عمل نکردند و زیان‌های جبران ناپذیری را

۱. السیوطی، عبد الرحمن بن أبی بکر. تاریخ الخلفاء، ج ۱، ص ۱۰. حقیق: محمد محی الدین عبد الحمید. مصر: مطبعة السعادة، الطبعة: الأولى، ۱۳۷۱-۱۹۵۲ م.

۲. البخاری، محمد بن إسماعیل. الجامع الصحیح المختصر، ج ۶، ص ۲۶۴۰. بیروت: تحقیق: محمد محی الدین عبد الحمید دار ابن کثیر، چاپ سوم، ۱۴۰۷ هـ.

۳. الشیبانی، أحمد بن حنبل. مسند أحمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۹۴، ح ۳۷۸۱. مصر: مؤسسة قرطبة.

۴. الموصلی التمیمی، أحمد بن علی بن المثنی بو یعلی، مسند أبی یعلی، ج ۱ ص ۷۹. تحقیق: حسین سلیم أسد، دمشق: دار المأمون للتراث الطبعة: الأولى، ۱۴۰۴ هـ.

هم به دین و هم به جامعه اسلامی وارد کردند و عدالت و رأفت اسلام را زیر سؤال بردند که در ذیل به چند نمونه اشاره می‌شود:

الف: چند نمونه نافرمانی بعض صحابه در زمان حیات پیامبر (ص):

۱. سرپیچی از فرمان رسول خدا (ص) در قضیه نماز جمعه.

بخاری در صحیحش در باره این قضیه می‌نویسد: «از جابر بن عبد الله نقل شده که گفت: روز جمعه بود و ما در حال نماز خواندن با پیامبر (ص) بودیم، قافله‌ای وارد شد، مردم همه متفرق شدند جز دوازده نفر؛ خداوند این آیه را نازل کرد». «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ». (۱)، (۲)؛ هنگامی که آن‌ها تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده

۱. سوره جمعه / ۱۱.

۲. البخاری، محمد بن إسماعیل. الجامع الصحیح المختصر، ج ۴، ص ۱۸۵۹، ح ۴۶۱۶. بیروت: تحقیق: محمد محی الدین عبد الحمید دار ابن کثیر، چاپ

می‌شوند و به سوی آن می‌روند و تو را ایستاده به حال خود رها می‌کنند. بگو: آنچه نزد خداست بهتر از لهُو و تجارت است، و خداوند بهترین روزی دهندگان است.

۲. مخالفت با رسول خدا (ص) در روزه سفر:

مسلم نیشابوری در صحیحش می‌نویسد: «جابر بن عبد الله می‌گوید: پیامبر (ص) در سال فتح مکه در ماه رمضان با حالت روزه از شهر خارج شد و به منطقه‌ای رسید، همراهان آن حضرت هم روزه بودند، ظرفی آب در خواست نمود و آن را بالا برد تا مردم آن را ببینند، سپس آن را نوشید. پس از گذشتن لحظاتی، گفتند: برخی از مردم روزه هستند. فرمود: آنان سرکشان هستند، سرکشانند.»^(۱)

۳. مخالفت عمر با پیامبر (ص) در نوشتن وصیت :

^۱. القشیری النیسابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسین. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۸۵، ح ۱۱۱۴. تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي. بیروت: دار إحياء التراث

در واقعه «یوم الخمیس» پیامبر (ص) فرمود: «کاغذ و دواتی برایم بیاورید تا چیزی برایتان بنویسم که پس از من گمراه نشوید». در این میان خلیفه دوم برخاست و گفت: «این مرد گرفتار تب شده و هذیان می‌گوید!» کتاب خدا ما را کفایت می‌کند». پس از این مخالفت رسول الله (ص) فرمود: «برخیزید و بروید که نباید در حضور پیامبری ندای اختلاف برخیزد.»^(۱)،^(۲)

۴. مخالفت ابوبکر و عمر از دستور رسول خدا (ص) در پیوستن به لشکر اسامه.

^۱. البخاری الجعفی، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله. الجامع الصحیح المختصر، ج ۵، ص ۱۲۴۶، ح ۵۳۴۵. تحقیق: د. مصطفی دیب البعا. بیروت: دار ابن کثیر، الیمامة. الطبعة: الثالثة: ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

^۲. القشیری النیسابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسین. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۲۵۹، ح ۱۶۳۷. تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

تردیدى نیست که سران مهاجر و انصار در این جنگ فرا خوانده شده بود از جمله ابوبکر، عمر و سعد بن ابى وقاص ... (۱)، (۲) (۳). على رغم تأکید پیامبر اکرم (ص) بر حرکت اسامه، و اطاعت از او اما عده‌ای تخلف کردند.

مورخین و محدثین نوشته‌اند: پیامبر فرمود: «جَهَّزُوا جَيْشَ أَسَامَةَ، لَعْنُ اللَّهِ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ» (۴)، (۵) (۶)؛ سپاه اسامه را با ساز و برگ روانه کنید، لعنت خدا بر کسی که از همراهی با سپاه سرباز زند.

۱. الزهرى، محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله البصرى. الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۱۹۰. بيروت: دار صادر.

۲. ابن الجوزى أبو الفرج، عبد الرحمن بن على بن محمد. المنتظم فى تاريخ الملوك والأمم، ج ۴، ص ۱۶. بيروت: دار صادر، الطبعة: الأولى ۱۳۵۸.

۳. العسقلانى الشافعى، أحمد بن على بن حجر أبو الفضل، فتح البارى شرح صحيح البخارى، ج ۸، ص ۱۵۲. تحقيق: محب الدين الخطيب. بيروت: دار المعرفة.

۴. الشهرستانى، محمد بن عبد الكريم بن أبى بكر أحمد. الملل والنحل، ج ۱، ص ۲۳. تحقيق: محمد سيد كيلانى. بيروت: دار المعرفة، ۱۴۰۴.

۵. بن أبى الحديد المدائنى، أبو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد. شرح نهج البلاغة، ج ۶، ص ۳۴. تحقيق: محمد عبد الكريم النمرى. بيروت:

دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۸ هـ ۱۹۹۸ م.

این حدیث به این عبارت نیز نقل شده، که رسول خدا فرمود: «أنفذوا بعث أسامة»، (۲)، (۳)، (۴)؛

ب. مخالفت صحابه از وصایای و سفارشات پیامبر (ص) :

با رحلت بزرگ‌ترین موجود عالم هستی (حضرت ختم مرتبت) بعد از خداوند متعال، بزرگ‌ترین تراژدی جان سوز، بزرگ‌ترین ضایعه هستی و بزرگ‌ترین عزا و ماتم در جهان بشریت بلکه در جهان هستی وارد شد. مؤمنینی واقعی در غم از دست دادن آن خورشید عالم تاب می‌سوختند، در حال گریه و عزاداری

۱. الإيجي، عضد الدين عبد الرحمن بن أحمد. كتاب المواقف، ج ۳، ص ۶۵۰. تحقيق : عبد الرحمن عميرة. بيروت : دار الجيل، الطبعة : الأولى، ۱۴۱۷ هـ ۱۹۹۷ م.

۲. الواقي، أبو عبد الله محمد بن عمر بن واقد، كتاب المغازی، ج ۲، ص ۴۷۵. تحقيق : محمد عبد القادر أحمد عطا. بيروت : دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى: ۱۴۲۴ هـ ۲۰۰۴ م.

۳. بن أيوب الحميري المَعافري أبو محمد، عبد الملك بن هشام. السيرة النبوية لابن هشام، ج ۶، ص ۶۵. تحقيق : طه عبد الرؤوف سعد. بيروت : دار الجيل، الطبعة : الأولى، ۱۴۱۱.

۴. الزهري، محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله البصري. الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۲۴۹. بيروت: دار صادر.

بودند. اما عده که در انتظار چنین فرصتی بودند برای رسیدن به قدرت بر یکدیگر سبقت می‌گرفتند و با یکدیگر به نزاع می‌پرداختند، تعداد از مهاجرین برای رسیدن به قدرت ابوبکر را نامزد خلافت کردند و گروهی از انصار برای رسیدن به قدرت سعد بن عباد را نام زد خلافت کردند و در «سقیفه بنی ساعده» گرد آمدند که شخص مورد نظر خود را به خلافت برسانند. بخاری در صحیح خود می‌نویسد: «واجتمعت الأنصار إلى سعد بن عباد في سقيفة بني ساعدة فقالوا منا أمير ومنكم أمير...»^(۱)،^(۲)،^(۳)؛ امیری از ما انصار و امیری از شما مهاجرین، انتخاب شود.

^۱. الزهري، محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله البصري. الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۲۶۹. بيروت: دار صادر.

^۲. البخاری، الجعفی، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله. الجامع الصحيح المختصر، ج ۳، ص ۱۳۴۱، ح ۳۴۶۷. تحقيق: د. مصطفى ديب البغا. بيروت: دار ابن كثير، اليمامة. الطبعة: الثالثة: ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

^۳. البيهقي، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر. سنن البيهقي الكبرى، ج ۸، ص ۱۴۲، ح ۱۶۳۱۳. تحقيق: محمد عبد القادر عطا. مكة المكرمة: مكتبة دار الباز، ۱۴۱۴ - ۱۹۹۴.

بزرگ‌ترین مصیبت جهان اسلام بعد از رحلت ختم مرتبت این بود که تعداد زیادی از مسلمانان به وظیفه سیاسی خود عمل نکردند و به وصایا و سفارشات پیامبر (ص) توجه نکردند و به دنبال خواسته‌های نفسانی خود رفتند و حاکم الهی را کنار گذاشتن.

اگر امت اسلامی به وظیفه سیاسی خود عمل می‌کرد از نعمت‌های مادی و معنوی بهره‌مند می‌شد:

۱. هدایت در صراط مستقیم.

اگر امت اسلامی در آن زمان، علی بن ابی طالب را به خلافت می‌رساند، او مردم را به راه راست هدایت می‌کرد. چنانکه پیامبر اسلام (ص) فرمودند:

«عن حذیفة بن الیمان قال قالوا یا رسول الله ألا تستخلف علیا قال إن تولوا علیا تجدوه هادیا مهدیا یسلک بکم الطريق المستقیم»^(۱)؛^(۲) به رسول خدا عرض کردند: آیا علی را به عنوان جانشین تعیین نمی‌فرمایید؟

^۱. الأصبهانی، أبو نعیم أحمد بن عبد الله. حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، ج ۱، ص ۶۴. بیروت: دار الکتب العربی. الطبعة: الرابعة، ۱۴۰۵.

^۲. السیوطی، الحافظ جلال الدین عبد الرحمن. جامع الاحادیث (الجامع الصغیر وزوائده والجامع الکبیر)، ج ۳، ص ۲۶۲. دار النشر.

فرمودند: اگر علی را به عنوان سرپرست قبول کنید او را هدایت کننده و هدایت شده خواهید یافت که شما را به راه راست می‌کشاند.

و نیز در حدیث ثقلین که رسول خدا فرمودند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عَرْتِي أَهْلَ بَيْتِي»^(۱) و در حدیث سفینه «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ»^(۲). به روشنی بیان گر این مطلب است که اگر امور اداره جامعه به ائمه معصومین سپرده می‌شد، جامعه اسلامی به صراط مستقیم هدایت می‌شد و از گمراهی نجات پیدا می‌کرد.

۲. هدایت به سوی بهشت.

۱. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۳۴. قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.

۲. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی (للطوسی)، ص ۶۰. قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.

«عن عبد الله بن مسعود... قلت فاستخلف قال من قلت علي بن أبي طالب قال أما والذي نفسي بيده لئن أطاعوه ليدخلن الجنة أجمعين أكتعين»^(۱)؛ گفتم: ای رسول خدا، آیا علی را به جانشینی تعیین نمی‌فرمایید؟ پاسخ دادند: همین است قسم به خدایی که جز او نیست؛ اگر با او بیعت کنید و از او اطاعت نمایید همه شما را به بهشت رهنمون خواهد ساخت.

۳. عمل به سنت پیامبر اکرم (ص)

با توجه به این که احادیث پیامبر، تبیین کننده قرآن است، ترویج احادیث پیامبر در واقع ترویج قرآن است و پیامبر از جانب خدا سخن می‌گوید: «ما ينطق عن الهوى ان هو الا وحى يوحى.»^(۲)؛ و از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید.

^۱. الطبرانی، سلیمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم. المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۶۷، ح ۹۹۷۰. تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی. الموصل: مكتبة الزهراء، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۴ - ۱۹۸۳.

^۲. سورة نجمف آیه ۳.

اگر بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) امور مسلمین به بزرگ‌ترین مدافع سنت یعنی حضرت علی (ع) سپرده می‌شد، که حضرت رسول خدا خطاب به او فرمودند: «عن علی بن ابی طالب... فقال أنت أخي وأبو ولدی تقاتل علی سنتی»^(۱). دیگر سخنان خلیفه اول و دوم ملاک قرار نمی‌گرفتند، ابوبکر گفت: «فلا تحدثوا عن رسول الله شیئا فمن سألکم فقولوا بیننا وبينکم کتاب الله»^(۲)، از رسول خدا حدیث نقل نکنید، پس اگر کسی از شما سؤال نمود بگویید بین ما و شما کتاب خدا است. خلیفه دوم گفت: «حسبنا کتاب الله»^(۳)، کتاب

^۱. الشیبانی، أحمد بن حنبل أبو عبد الله. فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۶۵۶، ح ۱۱۱۸. تحقیق: د. وصی الله محمد عباس. بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳.

^۲. الذهبی، أبو عبد الله شمس الدین محمد، تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۳. بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة: الأولى.

^۳. البخاری الجعفی، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله. الجامع الصحیح المختصر، ج ۴، ص ۱۶۱۲، ح ۴۱۶۹. تحقیق: د. مصطفی دیب البغا. بیروت: دار ابن کثیر، الیمامة. الطبعة: الثالثة: ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

خدا ما را کفایت می‌کند و ما نیازی به نوشته های رسول خدا (یعنی سنت) نداریم؛ و دیگر سخنان رسول خدا به آتش کشیده نمی‌شد، چنانکه خلیفه اول پانصد (۵۰۰) حدیث از احادیث رسول خدا را سوزاند. (۱) و حدود صد سال از کتابت و نقل حدیث منع نمی‌شد تا زمینه جعل حدیث فراهم شود؛ وقتی در زمان عمرو بن عبدالعزیز منع کتابت حدیث برداشته می‌شود، عده به خاطر شهرت ثروت دست به جعل حدیث می‌زنند و هزاران حدیث به نام رسول خدا جعل می‌شود.

ذهبی می‌گوید: «وقف علی ان ثلاثة ارباعه كذب» (۲)؛ من به این نتیجه رسیدم که سه چهارم احادیث موجود، دروغ است.

۱. المتقی بن حسام الدین الهمدی، علاء الدین علی، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، ج ۱۰، ص ۱۲۴، ح ۲۹۴۶۰. تحقیق: محمود عمر الدمیاطی.

بیروت دار الکتب العلمیة، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۹ هـ-۱۹۹۸ م.

۲. الذهبی أبو عبد الله، محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز، سیر أعلام النبلاء، ج ۷، ص ۲۲۷. تحقیق: شعیب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی. بیروت:

مؤسسة الرسالة، الطبعة: التاسعة، ۱۴۱۳.

۴. اتحاد جامعه اسلامی.

مهم‌ترین عامل تفرقه در بین مسلمانان، اختلاف در امور دینی است، اگر امور جامعه به معصوم سپرده می‌شدند بسیاری از اختلافات از بین می‌رفتند. چنانکه رسول خدا فرمودند: «عن أنس بن مالك رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم قال لعلي: أنت تبين لأمتي ما اختلفوا فيه بعدى»^(۱)؛ رسول خدا به امیر مومنان فرمودند: تو هستی که بعد از من برای امتم آنچه را در آن اختلاف کردند بیان می‌کنی. تردیدی نیست که اگر حقایق دین روشن شود دیگر مردم در مسئله دینی اختلاف نمی‌کند، اختلاف در امور دینی از بین می‌رود.

۵. افزایش برکات الهی

^۱. الحاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۲، ح ۴۶۲۰. تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا. بیروت: دار

تردید نیست که یک بعدی بسیار مهمی از اطاعت در امور سیاسی است. زیرا هر مسئله که در راستای اطاعت خدا و رسولش قرار نگیرد مخالفت با خدا است. اگر از حاکمی پیروی شود که حکم آن حاکم مخالف حکم خدا و رسول باشد، مخالفت با خدا و رسول است. یا از قوانینی پیروی شود که آن قوانین مخالف قوانینی الهی باشند، مخالفت با خدا و رسول است.

نتیجه این می‌شود که وظیفه مسلمین این است، که از قوانین و مقررات که مخالف قوانین و مقررات الهی هستند پیروی نکنند.

بنابراین لازمه اطاعت از خدا و رسول او در بسیاری از امور وجود حکومت الهی و دینی است و وظیفه ملت‌های مسلمان تشکیل حکومت الهی و دینی است؛ و در غیر این صورت اطاعت از خدا و رسول خدا در امور متعدد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی عبادی امکان پذیر نیست، زیرا بین قوانین الهی و قوانین «حکام غیر دینی» تعارض به وجود می‌آیند و با نبود حکومت الهی قوانین و مقررات الهی تعطیل

می‌شوند. چنان که پیامبر اسلام (صلی الله علیه واله) برای اطاعت از خدا و اجرای قوانین الهی حکومت تشکیل داد.

۶. اجرای عدالت

تردیدی نیست که اجرای عدالت، در امور اجتماعی یکی امر ضروری است و در صورت تحقق آن، بسیار از مشکلات بشری اعم از مسائل سیاسی، اقتصادی، نظامی، اخلاقی، اعتقادی، اجتماعی و... بر طرف می‌گردد؛ و لذا خداوند متعال فلسفه بعثت انبیا و تشریح ادیان الهی را تحقق قسط و عدل معرفی می‌کند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^(۱). ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل) نازل کردیم تا مردم به عدل قیام کنند.

^۱ - حدید (۵۷) آیه ۲۵.

اگر امور جامعه به علی (ع) سپرده می‌شد، در جامعه عدالت حکم فرما می‌شد، زیرا علی (ع) محور حق است، چنانکه پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «عَلَيْ مَعَ الْحَقِّ، وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ يَدُورُ مَعَهُ حَيْثُمَا دَارَ (۱)، (۲)، علی، با حق است و حق با علی، که به هر طرف او بگردد، حق با او می‌گردد.

نتیجه‌گیری

یافته‌هایی این تحقیق عبارت انداز:

۱. مفهوم سیاست: سیاست یعنی دانستن این که چه کسی می‌برد؟ چه می‌برد؟ چه موقع می‌برد؟ چه گونه می‌برد؟ چرا می‌برد؟.
۲. مفهوم وظیفه: آنچه اجرای آن شرعاً یا عرفاً در عهده کسی باشد.

^۱. مفید، محمد بن محمد. الفصول المختارة، ص ۹۷. قم: کنگره شیخ مفید، چاپ، اول، ۱۴۱۳ ق.

^۲. بن أبی الحدید المدائنی، أبو حامد عز الدین بن هبة الله بن محمد بن محمد. شرح نهج البلاغة، ج ۱۸، ص ۱۹۷. الطبعة: الأولى، تحقیق: محمد عبد الکریم النمری. بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ هـ، ۱۹۹۸ م.

۳. اطاعت بر دو گونه تکوینی و تشریح است.

الف. اطاعت تکوینی: تمام موجودات، هم در اصل تحقق وجود و هم در پذیرش هرگونه تغییر و تحول در اوصاف و کمالات وجود (ذاتی و عرضی) مطیع فرمان پروردگارند.

ب. اطاعت تشریحی: اطاعت و فرمان برداری از دستورات خداوند که به وسیله انبیاء الهی ابلاغ شده است.

۴. خداوند متعال در قرآن کریم در آیات متعدد دستور به اطاعت و پیروی از خود و رسولش داده است، این دستورات مقید به موضع خاص نیست، (شامل امور اعتقادی، عبادی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شوند). مقید به زمانی خاص نیست، (یعنی تا روز قیامت باید مطیع فرمان خدا و رسول خدا) ص باشید؛ و این دستورات به صورت امری بیان شده‌اند، یعنی واجب است بر مسلمانان که از خدا و رسول او پیروی کنند.

۵. برای جامعه اسلامی تشکیل حکومت اسلامی امر ضروری است، زیرا اجرای قوانین الهی در موارد متعدد (مثل قضاوت، اجرای عدالت، قصاص، مبارزه با فساد اخلاقی، ایجاد امنیت و آرامش و ...)، بدون حاکمان دینی امکان پذیر نیست.

۶. خداوند متعال در آیات متعدد حاکمان الهی را معرفی نموده است، مانند آیه تبلیغ، آیه اکمال و... و نیز پیامبر اسلام (ص) از اول بعثت تا آخرین روز عمر شریفش بارها و بارها این خلفا و حاکمان را معرفی کرده، در یوم الدار، غدیر خم، جنگ تبوک و ...

۷. اما متأسفانه بعضی مسلمانان چه در زمان حیات پیامبر اسلام چه بعد از حیات پیامبر اسلام دستورات خدا و رسولش را نادیده گرفتند به وظیفه سیاسی خود عمل نکردند و زیانهای جبران ناپذیری را هم به دین و هم به جامعه اسلامی وارد کردند.

۸. اگر امت اسلامی به وظیفه سیاسی خود عمل می‌کرد از نعمت‌های مادی و معنوی بهره‌مند می‌شد، مانند: هدایت در صراط مستقیم، هدایت به سوی بهشت، اتحاد جامعه اسلامی و...

منابع

١. قران كريم.
٢. آشورى، داريوش، دانشنامه سياسى، تهران: مرواريد، ١٣٨٤.
٣. ابن أيوب الحميرى المعافرى أبو محمد، عبد الملك بن هشام. السيرة النبوية لابن. تحقيق : طه عبد الرؤوف سعد. بيروت : دار الجيل، الطبعة : الأولى، ١٤١١.
٤. ابن أبى الحديد المدائنى، أبو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد. شرح نهج البلاغة. تحقيق : محمد عبد الكريم التمرى. بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة : الأولى، ١٤١٨ هـ ١٩٩٨ م.
٥. ابن الجوزى أبو الفرج، عبد الرحمن بن على بن محمد. المنتظم فى تاريخ الملوك والأمم. بيروت: دار صادر، الطبعة : الأولى ١٣٥٨ .
٦. ابن فارس، احمد بن فارس. معجم مقاييس اللغة. قم، چاپ: اول.

٧. الأصبهاني، أبو نعيم أحمد بن عبد الله. حلية الأولياء وطبقات الأصفياء. بيروت : دار الكتاب العربي. الطبعة : الرابعة، ١٤٠٥ .

٨. الألوسي البغدادي، العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود. روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني. بيروت : دار إحياء التراث العربي.

٩. الإيجي، عضد الدين عبد الرحمن بن أحمد. كتاب المواقف. تحقيق : عبد الرحمن عميرة. بيروت : دار الجيل، الطبعة : الأولى، ١٤١٧ هـ ١٩٩٧ م.

١٠. البخاري الجعفي، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله. الجامع الصحيح المختصر. تحقيق : د. مصطفى ديب البغا. بيروت : دار ابن كثير، البمامة. الطبعة : الثالثة: ١٤٠٧ - ١٩٨٧.

١١. البخاري الجعفي، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم أبو عبدالله. التاريخ الكبير. دار النشر : دار الفكر.

١٢. البغوي. تفسير البغوي. تحقيق: خالد عبد الرحمن العك. بيروت: دار المعرفة.

١٣. ابن سعد بن منيع أبو عبدالله البصرى. الطبقات الكبرى. بيروت: دار صادر.
١٤. البيهقى، أحمد بن الحسين بن على بن موسى أبو بكر. سنن البيهقى الكبرى. تحقيق: محمد عبد القادر عطا. مكة المكرمة: مكتبة دار الباز، ١٤١٤ - ١٩٩٤ .
١٥. الترمذى السلمى، محمد بن عيسى أبو عيسى. الجامع الصحيح سنن الترمذى. تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
١٦. التميمى البستى، محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم. صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان. تحقيق: شعيب الأرنؤوط. بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثانية، ١٤١٤ - ١٩٩٣ .
١٧. الجزرى، عز الدين بن الأثير أبى الحسن على بن محمد. سد الغابة فى معرفة الصحابة. تحقيق: عادل أحمد الرفاعى. بيروت: دار إحياء التراث العربى. چاپ اول ١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م.

١٨. الحاكم النيسابوري، محمد بن عبدالله أبو عبدالله. المستدرک علی الصحیحین. تحقیق : مصطفی عبد القادر عطا، بیروت : دار الکتب العلمیة، الطبعة : الأولى ١٤١١ - ١٩٩٠ م.
١٩. خصیبي، حسین بن حمدان، الهدایة الکبری. بیروت: ١٤١٩ ق.
٢٠. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا. محل نشر تهران.
٢١. الدینوری، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتیبة. الإمامة والسیاسة. تحقیق : خلیل المنصور. بیروت : دار الکتب العلمیة، ١٤١٨ - ١٩٩٧ م.
٢٢. الذهبي أبو عبد الله، محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز، سیر أعلام النبلاء. تحقیق : شعيب الأرناؤوط، محمد نعیم العرقسوسی. بیروت : مؤسسة الرسالة، الطبعة : التاسعة، ١٤١٣.
٢٣. الذهبي، أبو عبد الله شمس الدین محمد، تذكرة الحفاظ. بیروت : دار الکتب العلمیة، الطبعة : الأولى.

٢٤. الرازى، عبد الرحمن بن محمد بن إدريس. تفسير القرآن. تحقيق : أسعد محمد الطيب. صيدا: المكتبة العصرية.

٢٥. الزهرى، محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله البصرى. الطبقات الكبرى. بيروت: دار صادر.
سوره انفال، (٨)، ١ و ٢٠ و ٦٤. سوره مجادله، (٥٨)، ١٣.

٢٦. السيوطى، الحافظ جلال الدين عبد الرحمن. جامع الاحاديث (الجامع الصغير وزوائده والجامع الكبير). دار النشر.

٢٧. السيوطى، عبد الرحمن بن أبى بكر. تاريخ الخلفاء. تحقيق : محمد محى الدين عبد الحميد. مصر: مطبعة السعادة، الطبعة : الأولى، ١٣٧١ - ١٩٥٢ م.

٢٨. السيوطى، عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين. الدر المنثور. بيروت : دار الفكر، ١٩٩٣.

٢٩. الشاشي، أبو سعيد الهيثم بن كليب. المسند للشاشي. تحقيق : د. محفوظ الرحمن زين الله. المدينة المنورة: مكتبة العلوم والحكم، الطبعة : الأولى، ١٤١٠ .

٣٠. الشافعي، علي بن الحسن ابن هبة الله. تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل. تحقيق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري. بيروت: دار الفكر. چاپ، ١٩٩٥ م.

٣١. الشوكاني، محمد بن علي بن محمد. فتح القدير الجامع بين فني الرواية والدراية من علم التفسير. بيروت : دار الفكر.

٣٢. الشهرستاني، محمد بن عبد الكريم بن أبي بكر أحمد. الملل والنحل. تحقيق : محمد سيد كيلاني. بيروت : دار المعرفة، ١٤٠٤ .

٣٣. الشيباني، أحمد بن حنبل أبو عبد الله. فضائل الصحابة. تحقيق : د. وصي الله محمد عباس. بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة : الأولى، ١٤٠٣ - ١٩٨٣.

٣٤. الشيباني، أحمد بن حنبل أبو عبدالله. مسند الإمام أحمد بن حنبل. مصر: مؤسسة قرطبة.
٣٥. شيخ حر عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعة. قم، چاپ: اول، ١٤٠٩ ق.
٣٦. طباطبائي، سيد محمد حسين. الميزان في تفسير القرآن. قم: موسسه النشر الاسلامي، چاپ پنجم، ١٤١٧ ق.
٣٧. الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم. المعجم الكبير. تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي. الموصل: مكتبة الزهراء، الطبعة: الثانية، ١٤٠٤ - ١٩٨٣ .
٣٨. طبري، محمد بن جرير. تاريخ طبري. بيروت: دار الكتب العلمية.
٣٩. طبري، محمد بن جرير. تهذيب الآثار وتفصيل الثابت عن رسول الله من الأخبار. تحقيق: محمود محمد شاکر. القاهرة: مطبعة المدني.
٤٠. طوسي، محمد بن الحسن، الأمالي (للطوسي). قم، چاپ: اول، ١٤١٤ ق.
٤١. عبد الرحمن عالم، بنيادهای علم سیاست. تهران: نشر ١٣٧٣.

٤٢. العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل. فتح الباري شرح صحيح البخارى. تحقيق : محب الدين الخطيب. بيروت : دار المعرفة.

٤٣. فيومى، احمد بن محمد. المصباح المنير. قم، چاپ: دوم.

٤٤. القزوينى، محمد بن يزيد أبو عبدالله، سنن ابن ماجه. تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقيسنن ابن ماجه. بيروت : دار الفكر.

٤٥. القشيري النيسابوري، مسلم بن الحجاج أبو الحسين. صحيح مسلم. تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي. بيروت : دار إحياء التراث العربى.

٤٦. المتقى بن حسام الدين الهندي، علاء الدين على، كنز العمال فى سنن الأقوال. تحقيق : محمود عمر الدمياطى. بيروت دار الكتب العلمية، الطبعة : الأولى، ١٤١٩ هـ-١٩٩٨ م الموصلى التميمى، أحمد بن على بن المثنى بو.

٤٧. يعلى، مسند أبى يعلى، ج ١ ص ٧٩، تحقيق: حسين سليم أسد، دمشق: دار المأمون للتراث الطبعة: الأولى، ١٤٠٤ هـ.

٤٨. مفيد، محمد بن محمد. الفصول المختارة. قم: كنگره شيخ مفيد، چاپ، اول، ١٤١٣ ق.

٤٩. النسائي، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن. السنن الكبرى. تحقيق : د. عبد الغفار سليمان البندارى، سيد كسروى حسن. بيروت : دار الكتب العلمية، الطبعة : الأولى ١٤١١ - ١٩٩١ .

٥٠. النسائي، أحمد بن شعيب. فضائل الصحابة. بيروت: دار الكتب العلمية. چاپ اول ١٤٠٥.

٥١. الواقدي، أبو عبد الله محمد بن عمر بن واقد، كتاب المغازى. تحقيق : محمد عبد القادر أحمد عطا. بيروت : دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى: ١٤٢٤ هـ ٢٠٠٤ م.

٥٢. يوسفى، حسين، فرهنگ عربى _ فارسى، دانشگاه مازندران، چاپ، چهارم، ١٣٨٨.

